

عناصر اصلی و سازنده کاروانسرا

Photo by: Arash Simaei

ساخت، گسترش و تنوع کاروانسراهای ایران به همراه نوع معماری آن‌ها، به مانند دیگر سازه‌های حاصل از طراحی و ساخت معماران ایرانی، حاصل شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور بوده است. کاربرد متعددی که این بناهای میان راهی و درون شهری در زمان‌های مختلف پیدا می‌کرده‌اند، موجب تنوع این سازه‌ها و حتی نام‌های آن‌ها گردیده است. از جمله می‌توان به نام‌هایی چون؛ "رباط"، "کاربات"، "ساباط"، "خان" و غیره اشاره کرد. برای نمونه ساباط واژه‌ای است که تقریباً در تمامی زبان‌های "خاوری" و "باختری"، "آرامی" و "ایرانی" و "تازی" کاربرد پیدا کرده است. جزء اول آن یعنی "سا" به معنی آسایش و جزء دوم دوش پسوندی است که نمودار بنا و آبادی می‌باشد. بنابراین "ساباط" به معنی بنایی بوده است که برای آسودن به کار می‌رفته‌است. این واژه به هر دو مورد کاروانسراهای درون و میان شهری اطلاق می‌شده است.

"کاربات" را کاروان معنی کرده‌اند. تا پیش از اسلام این واژه را برای اطلاق "کاروانسرا" بکار می‌برده‌اند. "کاربات" به معنی "خانه کاروان" است و مانند "رباط" مکانی بوده است که هم اتاق داشته و هم حوض. "رباط‌های بزرگ و جامع را "کاروانسرا" می‌نامیدند. این به معنی آن است که رباط‌ها کاربرد محدودتری داشته‌اند. واژه خان واژه‌ای است که در کشور ترکیه به معنی همان کاروانسرا می‌باشد. در حقیقت "خان‌ها" کاربردی مشابه کاروانسراهای ایران داشتند. در زبان تازی نیز از همین واژه یعنی "خان" برای اطلاق کاروانسرا سود می‌جویند.

افلاکی در کتاب مناقب العارفین که در احوالات مولانا نوشته است، از عادت شمس تبریزی به سفر و اتراق در خان‌های (کاروانسراها) درون شهر سخن رانده است.

آندوه گدار نیز در کتاب ارزشمند خود به نام هنر ایران درباره رباط‌ها می‌نویسد: "رباط یا رباط در آغاز نوعی دژ و پادگانی بوده است که در نقاط مرزی حکومت‌های دوره اسلامی می‌ساختند. این رباط‌ها به‌طور همزمان هم بنایی مذهبی و هم نظامی تلقی می‌شدند اما بعدها، به تدریج به ایستگاهی برای اتراق کاروانیان و چهارپایان و هم‌چنین به‌پناهگاهی برای

مردم مجاور خود، در هنگام خطر، تبدیل می‌شدند. رباط‌ها سرانجام عملکردی مشابه کاروانسرا پیدا کردند.

نام کاروانسرا ترکیبی از دو لغت، کاروان، یا کاربان و سرای است، کاروان به همان گروه مسافرانی گفته می‌شد که به صورت جمعی سفر می‌کردند و سرای نیز برای القای مفهوم خانه و مکان است. هر دو کلمه ماخوذ از زبان پهلوی ساسانی می‌باشد. (لغت‌نامه دهخدا)

اگر بخواهیم ساختار و معماری کاروانسرا را مورد بررسی قرار دهیم لازم است به کلیه ضرورت‌ها و نیازهایی توجه کنیم که مسافران و کاروان‌ها را وادار به اتراق در این بناهای میان راهی و درون شهری می‌کردند. می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

امنیت: ضرورت امنیت، به‌ویژه در مناطقی از جغرافیای سیاسی کشور که خطر هجوم و یا غارت وجود داشت باعث می‌شد تا برای حفظ امنیت این کاروان‌ها و هم‌چنین دستیابی آن‌ها به خدمات بین‌راهی برخی از کاروانسراها را برپا دارند. این بناها هم کاربرد مشابه کاروانسرا داشتند و هم بمثابة اردوگاهی نظامی عمل می‌کردند. آن‌ها دارای دیوارهای بلند، برج‌های دیده بانی و محوطه‌هایی برای زندگی و سکونت سپاهیان بودند.

سکونت موقت: نیاز به سکونت موقت مسافران، به ساخت حجره‌ها و اتاق‌هایی فرجام یافت، که معمولاً به صورت مشابه بدور حیاط کاروانسراها ساخته می‌شدند. یک درب این حجره‌ها را به ایوانی بلندتر از سطح حیاط کاروانسرا متصل می‌کرد و مکان عبور مسافران از ایوان به داخل اتاق‌ها و حجره‌ها بود معمولاً حجره‌ها خالی و اغلب بدون زیرانداز و دیگر وسایل، در اختیار مسافران قرار می‌گرفتند. در آن شرایط مسافران خود زیر انداز و بستر خود را فراهم می‌کردند. سکونت موقت در سفرهای گذشته یک ضرورت انکارناپذیر بود. وجود فواصل زیاد بین شهرها و در عین حال سرعت کم کاروان‌ها که گاه پیاده و گاه با نیروی دام‌ها تامین می‌شد، به ضرورت استراحت و تجدید قوای مسافران و دام‌ها می‌انجامید.

نیروهای حمل و خدمات حمل و نقل: در ایران بعد از اسلام تا مدت‌ها یعنی تا حدود اواخر دوره قاجار از کالسکه و گاری خبری نبود. مال‌التجارها و مسافران را از طریق حامل‌هایی چون استر، اسب و الاغ و به‌ویژه شتر(در مناطق حاشیه کویری) جابه‌جا می‌کردند. به همین دلیل وجود طویله برای استراحت نیروهای انسانی و برای نگهداری دام‌ها و چهارپایان ضرورت بسیار داشت. معمولاً مکان اصطبل‌ها را در جایی قرار می‌دادند که مسافران بتوانند در هنگام استراحت، نظارت لازم را بر خدماتی که چهارپایان اخذ می‌کردند، داشته باشند.

خوراک و غذا: نیاز مهم دیگر مسافران خوراک و غذا

بود. معمولاً در بسیاری از سفرها مسافران خود باید غذای خود را تامین می‌کردند، به همین دلیل این مسافران مجبور بودند مایحتاج خود را از روستاهای اطراف کاروانسرا تامین کنند. با این حال در تمامی کاروانسراها آشپزخانه‌ای برای طبخ غذا و تنوری برای پخت نان وجود داشت. به علاوه به نظر می‌رسد که در دوران‌های رونق که بر تعداد کاروان‌ها افزوده می‌شده، یک سیستم خدمات تجاری موقت میان روستاها و این کاروانسراها به هنگام اتراق کاروانیان برقرار می‌گردید.

خدمات ویژه: گاه برای برخی از تاجران و گروه‌ها، خدمات ویژه تدارک می‌شده است. برای این منظور، برخی از کاروانسراها، حیاط‌ها و محوطه‌های خاصی را تجهیز و آماده می‌کردند. این نوع خدمات اغلب برای شاهان و بزرگان در هنگام سفر تدارک می‌شدند.

آب: مهم‌ترین رکن در سفر و حضرهای کویری، آب است، ضرورت حضور آب حتی از امنیت مهم‌تر تلقی می‌شده است. این اهمیت به‌ویژه در کاروانسراهای میان شهری بر پا شده در کناره‌های کویر دو چندان می‌شده است. بدین منظور در کناره هر کاروانسرا یک آب انبار ساخته می‌شد که خود دارای معماری ویژه‌ای بود. معمولاً از فن قنات برای رساندن آب به کاروانسراها استفاده می‌کردند. برخی از کاروانسراها نیز در کنار چشمه‌ها ساخته می‌شدند. ناصر خسرو در سفرنامه‌اش به کاروانسرای در دل کویر اشاره می‌کند و می‌گوید اگر این کاروانسرا نبود، سفر در این منطقه غیر ممکن می‌شد.

نظام‌های خدماتی: در دوران‌های رونق و امنیت معمولاً بر تنوع نظام‌های خدماتی در کاروانسراها افزوده می‌شده است. اینان عبارت بودند از خدماتی نظیر اجاره و نگهداری چهارپایان، خوراک و غذا، نظافت و غیره. در ساختار معماری برخی از کاروانسراها، معمولاً بخش‌های خاص برای این خدمات به سازه اصلی آن‌ها اضافه می‌شد.

نگهداری، اطلاعات و نظافت: جالب‌ترین بخش فعالیت‌های در کاروانسراها نظافت و نگهداری آن‌ها بود هر کاروانسرا دارای مدیری با تجربه بود. این مدیر از نیروهای انسانی خاصی برای نگهداری کاروانسرا و ارائه سرویس به مسافران استفاده می‌کرد. به‌علاوه اطلاعات مربوط به مسافران نیز توسط همین مدیر به‌سرعت به حاکم و یا امیر محل اطلاع داده می‌شد. در مواردی حساس این اطلاعات حتی به پادشاه نیز انتقال می‌یافت. معمولاً در سازه‌های کاروانسراها محل خاصی ساخته می‌شد که این نیروهای انسانی در آن‌ها زندگی می‌کردند.

موارد دیگری نیز می‌توان به این فهرست اضافه کرد، اما مهم‌ترین آن‌ها همین مواردی بود که در لیست فوق آمده است.

